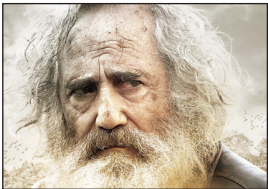


فیلم‌های امروز

امروز شاهد نمایش فیلم‌های «اشک هور»، «دست تنها»، «خاتی» و «زیبا صدایم کن» خواهیم بود- که به‌نوعی پربازگترین فیلم‌های جشنواره هستند.



«اشک هور» جدیدترین ساخته مهدی جعفری- که در چند سال گذشته با فیلم‌های «۲۳ نفر» و «یدو» اتفاق‌های خوبی را در جشنواره رقم زده- بعد از فیلم «اسفند» دومین فیلم امسال است که زندگی شهید علی هاشمی را دستمایه روایت خود قرار داده است. فیلم البته راوی رنج‌های مادر شهید در انتظار ۲۲ ساله‌اش برای بازگشت پیکر شهید است. این فیلم با بازی رضائامری، رویا افشار، تورج الوند، میثم رازفی، شبنم گوردوزی و ساره رشیدی ظاهراً نسخه سینمایی سریالی تحت عنوان «فرارگاه سری ناصرت» است که فیلمنامه‌اش رامهدی سجاده‌چی به‌رشته‌تحریر درآورده است.



دومین فیلم امروز «دست تنها» ساخته امیرحسین تقفی است. جدیدترین فیلم این کارگردان با بازی بازیگرانی چون مجید مظفری، محمود نظرعلیان، نرگس محمدی و علی‌اوجی که مانند دیگر فیلم‌های کارگردانش فیلم خاصی است، بدون کمترین شباهتی به فیلم‌های دیگر، و اتفاقاً به همین دلیل هم به احتمال زیاد طرفداران خاص خود را خواهد داشت. «دست‌تنها» گفته می‌شود که داستان دو مرد خیابان‌گرد را روایت می‌کند که در تلاش برای نجات‌زنی، شهرزایر می‌گذارند.



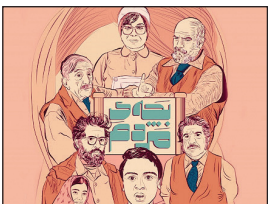
«خاتی» به کارگردانی فریدون نجفی و بازی سارا بهرامی، سعید آقاخانی، آناییتا افشار و فرید سجادی حسینی سومین فیلم امروز است که داستانی ترازیک درباره جدایی و پیوندهای عمیق انسانی با

سرزمین و خانواده‌اش را روایت می‌کند. داستان «خاتی»- که در آغاز قرار بود لیلا حاتمی نقش اصلی آن را بازی کند- با محکومیت ترازیک فرد به ترک محیطی آغاز می‌شود که چون درختی تنها در جنگل بلوط در آن ریشه دوامده است. یک درام اجتماعی زیست محیطی که بیشتر به ارتباط انسان با محیط زیست و حیوانات می‌پردازد.

... و در نهایت می‌رسیم به «زیبا صدایم کن» چهاردهمین ساخته سینمایی رسول صدرعاملی؛ با بازی امین حیایی؛ که به عنوان اقتباسی نوجوانانه از کتابی به همین نام به قلم فرهاد حسن‌زاده داستانی کم‌اوج و فرودراز یک صبح تاشب در خیابان ولیعصر- از میدان راه‌آهن تاج‌ریش- روایت می‌کند. «زیبا صدایم کن» از این رو که بهانه بازگشت کارگردان فیلم‌هایی چون «من ترانه پانزده سال دارم»، «دختری با کفش‌های کتانی» و «دیشب باباتو دیدم آید»، پس از هفت سال به جشنواره شده، برای مخاطبان و منتقدان سینما اهمیت زیادی دارد. «زیبا صدایم کن» به زندگی دختری ۱۵ ساله به نام زیبا می‌پردازد که در یک مرکز تحت نظارت بهزیستی زندگی می‌کند. زیبا که با مشکلات خانوادگی عمیقی روبه‌روست، تصمیم می‌گیرد در روز تولدش پدر بیمار روانی‌اش را از آسایشگاه فراری دهد. اما این تصمیم ماجراهای تلخ و پیچیده‌ای را برپا می‌کند.

حاشیه

سیاستمداران در کاخ رسانه



دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور در سومین روز چهل و سومین جشنواره فیلم فجر در کاخ رسانه حاضر شد. به گزارش ایرنا، علی ربیعی با حضور در کاخ رسانه در برج میلاد در نشست خبری فیلم سینمایی «بچه مردم» شرکت کرد.

فیلم سینمایی «بچه مردم» که روز گذشته اکران و با استقبال منتقدین مواجه شد، با حضور بازیگران مطرحی چون گوهر خیراندیش، رضا کیانیان، حسن معجونی، بهروز شعبانی، سیامک صفری، سیاوش چراغی‌پور، امید روحانی، زهرا داوودنژاد و سید جواد حیویو داستانی متفاوت درباره زندگی را روایت می‌کند. گفتنی است که روز گذشته راند فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی نیز در جشنواره حضور یافت و به تماشای باکس فیلم‌های کوتاه و مستند نشست. هم‌چنین حضور محسن رضایی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در سومین روز از چهل و سومین جشنواره فجر در برج میلاد برای تماشای فیلم «اسفند» نیز از اتفاقات روز گذشته جشنواره بود.

انتقاد

«آتش و گلستان» قطع و وصل شد!

منتقدانی که تا ساعت ۱۱ شب برای تماشای فیلم «آتش و گلستان» در سالن رسانه‌های جشنواره مانده بودند، در نهایت با توقف اکران این فیلم مواجه شدند. به گزارش مهر؛ فیلم مستند سینمایی «آتش و گلستان» که قرار بود در سومین روز از برگزاری جشنواره ساعت ۲۲ در برج میلاد اکران شود، به دلیل نقص فنی نیمه‌کاره ماند.

در نوبت اکران ویژه سومین روز چهل و سومین جشنواره فیلم فجر، مستند داستانی «آتش و گلستان» به کارگردانی علی‌روئین تن‌پخش شده که درباره شخصیت شهید ابراهیم هادی ساخته شده است. از ابتدای پخش فیلم، صدا با تصویر سینک نبود و این امر باعث شد پس از ۲ دقیقه نمایش فیلم متوقف و چراغ‌های سالن نمایش فیلم روشن شود. پس از چند دقیقه مجدداً پخش «آتش و گلستان» از ابتدا آغاز شد اما باز هم مشکل سینک نبودن صدا و تصویر باعث شد تا دوباره پخش فیلم متوقف شود. بعد از چند دقیقه برای بار سوم فیلم پخش شد اما باز هم مشکل برطرف نشد و در نهایت پس از ۳ بار، پخش فیلم «آتش و گلستان» به طور کامل متوقف شد.



**[شهروند]** «رگ‌های آبی» یا همان «فروغ» جهانگیر کوثری تاکنون در چهار روزی که از جشنواره گذشته، حاشیه، سوءنفاهم یا حتی سوال بی‌پاسخ این دوره از جشنواره را موجب شده- که راز توقیف یا عدم نمایش این فیلم چه بوده؛ و جهانگیر کوثری چرا از این لطف بزرگ ناراضی و ناراحت است و اصرار به نمایش فیلمی دارد که بهترین اتفاق برایش- و البته برای کارگردان و به خصوص بازیگر نقش اولش- رفتن توی بستوی فراموشی می‌تواند باشد؟ فیلمی که دیروز در همین ستون هم نوشتیم که اگر تمام دشمنان و مخالفان و بدخواهان «فروغ شعر معاصر ایران» دست به دست هم می‌دادند تا یک کمپین تاثیرگذار برای زیر سوال بردن و گند زدن به نام و خاطره و میراث این شاعر راه اندازند، قطعاً به اندازه درصدی ناچیز از فیلم «فروغ» نیز موفق به این کار نمی‌شدند. این مطلب به این بهانه تنظیم شده که شمای کلی از فضا و حال و هوای منتقدین و اهالی رسانه درباره فیلمی به دست دهد که از همان ابتدای تولید و بعد از انتشار اخبار انتخاب بازیگران این فیلم کنجکاو‌های زیادی در موردش وجود داشت- که البته در نهایت بعد از نمایش فیلم همه پوچ از آب درآمد!

درباره فیلمی که تاکنون بزرگ‌ترین حاشیه- و سوءنفاهم- جشنواره لقب گرفته: «رگ‌های آبی» جهانگیر کوثری

## سرگردان در دوراهی باران و فروغ!

بسیاری از منتقدین بعد از تماشای فیلم «رگ‌های آبی» یا همان «فروغ» جهانگیر کوثری در نقش فروغ فرخ‌زاد، این فیلم را به تاسی از یکی از دیالوگ‌های یکی از سریال‌های دوران اوج مه‌رمان مدیری «فروغ بابا» نامیده‌اند.

این نظر که به باورپذیری فیلم از نگاه مخاطب ضربه خواهد خورد، از این انتخاب مضر خواهد شد؟!

فروغ جعلی

«رگ‌های آبی» نه فقط در ترسیم تصویر فروغ بلکه در ترسیم زندگی و دوران او هم ناموفق و ناصادق است. فیلم نه‌تنها کاملاً و کاملاً ابراهیم گلستان را- که بیشترین نقش را در فروغ شدن فروغ داشته- نادیده گرفته، بلکه حتی به پرویز شاپور، همسر فروغ هم بی‌مهری کرده و تصویری غیرواقعی از او ارائه داده- که ربطی به واقعیت شخصیت او ندارد که به هر حال در زمان و زمانه خود سری و سامانی داشته و به عنوان هنرمندی شناخته شده، حداقل در آغاز زندگی مشترک‌شان با فروغ، کوچک‌تر از او نبوده است!

مهم‌ترین ناصافی و ناصادقی «رگ‌های آبی» اما در این است که کمترین و کوچک‌ترین پاسخی به این سوال نمی‌دهد که فروغ چرا فروغ شده- و اگر او واقعا همین شخصیتی بوده که در فیلم می‌بینیم، چرا باید تا این حد ماندگار شده باشد؟ به هر حال فیلم جهانگیر کوثری برای تماشاگری که از پیش با زندگی و تاثیرگذاری و دوران‌سازی فروغ آشنا نیست، چندان شناختی از این شخصیت به دست نمی‌دهد. حتی از این هم بدتر؛ فیلم تصویری ناملموس و منفی از فروغ- تقریباً در سبک و سیاق شبنامه‌ها و افشاگری‌های ایدئولوژیک- به دست می‌دهد او وارزی سطحی نشان می‌دهد که یانه دنبال قرار گذاشتن و بگویند با اهالی ادبیات است برای همین هم همسر و کودکش را می‌بازد و فدا می‌کند و یا این‌که گوشه‌نشین بی‌اراده خم‌خانه‌هاست و کمترین اراده و نقشی در رشد و پیشرفت و ماندگاری و تاریخ‌سازی‌اش ندارد. مهم‌تر این‌که تاثیرگذاری‌اش در گذر زمان را هم در قالب زنی می‌بینیم که خودش هم دست‌کمی از فروغ فیلم ندارد و درست همان اشتباهات شخصیت محبوبش را- که جهانگیر کوثری برجسته‌تر از دیگر ویژگی‌های شخصیتی‌اش به نمایش گذاشته- واو به او تکرار می‌کند...

دوران را از روایت خود حذف کرده‌اند که این هم یعنی انگار عامدانه سراغ روایتی معوج و محدود از زندگی فروغ شعر معاصر ایران رفته‌اند. آخرین مورد هم این‌که «فروغ» جهانگیر کوثری درست به جوانی از زندگی فروغ- و درست از زاویه‌ای خاص- پرداخته که در سال‌های اخیر بیشترین انتقادات ایدئولوژیک این جنبه از زندگی فروغ را هدف قرار گرفته بودند و این هم عامل دیگری است که چنین به نظر می‌آورد که هدف سازندگان این فیلم نه ستایش و تجلیل از فروغ یا حتی روایت صرف زندگی این چهره دوران ساز سده اخیر ایران، بلکه زیر سوال بردن او بوده است- که با توجه به شناختی که از جهانگیر و باران کوثری و در کل خانواده و شخص‌رخشان بنی‌اعتماد داریم، بعید به نظر می‌رسد!

فروغ بابا

اما با هر متر و معیاری بزرگ‌ترین سوتی جهانگیر کوثری در این فیلم استفاده از باران کوثری در نقش فروغ بوده است. انتخابی که ریشه در هر دیدگاه و تحلیلی هم داشته باشد، کمترین بهره‌ای از منطق ندارد! البته این را می‌دانیم که هر پدری عاشقانه دخترش را دوست دارد و بهترین‌ها را برای او می‌خواهد. در واقع هر دختری در نگاه پدرش زیباترین دختر روی زمین است. در این امر تردیدی نیست. اما این را دیگر نمی‌توان باور کرد که پدری- به خصوص پدری که می‌خواهد فیلم زندگی یکی از مشهورترین شمایل‌های دوران خود را بسازد- عشق پدردختری چنان چشمش را کور کرده باشد که متوجه نشود بازیگری به نام باران کوثری نه چهره‌اش کمترین شباهتی به فروغ دارد و نه فیزیک و استایلش یادآور این شاعر می‌تواند باشد. نکته مهم‌تر این‌که حتی خود باران کوثری هم- که در «خون بازی» و «بغض» و «عصبانی نیستم» نشان داده بازیگر قابل احترامی است- متوجه این موضوع نبوده که شبیه فروغ نیست و ایفای این نقش نه تنها به نفعش نخواهد بود، بلکه او را سیبل انواع و اقسام انتقادات و کنایه‌ها و طعنه‌های مخالفان فیلم خواهد کرد و فیلم هم از

در این چند روزی که از نمایش «رگ‌های آبی» گذشته؛ این پرسش‌ها به الحان مختلف، شوخی و جدی، در فضای جشنواره مطرح و تکرار شده- که دلیل عدم نمایش این فیلم چه بوده، و جهانگیر کوثری چرا از این لطف بزرگ ناراضی و ناراحت است؛ و چرا اصرار دارد این فیلم نمایش داده شود؟! تکرارهایی که خود یکی دیگر از خوش‌شناسی‌های جهانگیر کوثری را رونمایی می‌کنند که فیلمش بیشتر از بسیاری از فیلم‌های بخش مسابقه جشنواره تبلیغ شده و بحث و حرف به وجود آورده است. با این حال این حرف و حدیث‌ها از جنس بدنامی‌گرهی از کار فیلم «رگ‌های آبی» یا همان «فروغ» نمی‌گشایند و دوباره صحبت را به نقطه آغازین بازمی‌گردانند که کاش جهانگیر کوثری با اعتبار دیرپایش به عنوان یک تهیه‌کننده محترم بازی نمی‌کرد و وسوسه ساخت فیلمی درباره فروغ فرخ‌زاد را- که گذشته از سینه‌جاکن پرشماری که دارد، به هر حال یکی از نام‌های بزرگ ادبیات معاصر این سرزمین به شمار می‌آید- کناری می‌نهاد.

فروغ بی‌فروغ

«فروغ» جهانگیر کوثری، اما، فارغ از این صحبت‌های کلی از جوانب بسیاری فیلم به‌شدت بدی است. اول از این نظر که کارگردان فیلم ظاهراً نمی‌داند درباره چه شخصیتی با چه میزان تاثیرگذاری بر دوران خودش فیلم می‌سازد- که یعنی انگار شخصیت فروغ را نمی‌شناسد. دیگر این‌که از بازیگری در نقش فروغ استفاده کرده که حتی درصدی ناچیز هم شبیه فروغ نیست- که یعنی انگار عکس‌های فروغ را هم ندیده است. دیگرتر این‌که نویسنده و کارگردان در انتخاب اشعار فروغ برای روایت فیلم از بدترین و مناقشه‌برانگیزترین اشعار این شاعر استفاده کرده‌اند- که یعنی انگار حتی یکی بار هم اشعار این شاعر ندانند و در روخوانی هم نکرده‌اند و بهترین‌های این جنبه را نمی‌شناسند. هم‌چنین؛ نویسنده و کارگردان در روایت زندگی فروغ مهم‌ترین شخص زندگی و یکی از شمایل‌های روشن‌فکری

## میانگین آثار جشنواره ۴۳ قابل قبول است



این عضو شورای پروانه ساخت آثار سینمایی در پایان درباره جشنواره ۴۳ بیان کرد: «خوشبختانه جشنواره امسال از نظر انضباط، کیفیت و هیجان در شکل مطلوبی در حال برگزاری است.»

فشاروری سینما است. در مجموع سینما باید از استانداردهای بالایی برخوردار باشد. البته که در حال حاضر سطح خوبی دارد، اما باید در نظر داشت که رشد و روند مخاطب سریع‌تر از رشد سینماست.»

روز گذشته معاون فرهنگی معاون اول رئیس‌جمهور با حضور در برج میلاد و سینمای اصحاب رسانه، میانگین آثار چهل و سومین جشنواره فیلم فجر را قابل قبول دانست. به گزارش روابط عمومی چهل و سومین جشنواره فیلم فجر، سیدضیا هاشمی معاون فرهنگی و اجتماعی محمدرضا عارف با حضور در برج میلاد و تماشای فیلم «اسفند» به کارگردانی دانش اقباشاوی درباره آثار حاضر در جشنواره گفت: «من تاکنون در چند سینما حضور یافته‌م و چند اثر از جشنواره چهل و سوم را دیدم. به نظر تفاوت متنوع آثار بسیار زیاد است، اما فیلم «اسفند» برایم دلنشین و جذاب بود. حضور مخاطبان و استقبالی که تاکنون شده نشان از ارتباط خوب با آثار دارد و این که حس خوبی در حال انتقال است.» او ادامه داد: «فکر می‌کنم میانگین آثاری که تاکنون دیدم و واکنش‌هایی که دریافت کردم از سطح خوبی برخوردار بوده و روند رو به جلویی را برای سینمای پیشین می‌کند.» هاشمی در ادامه درباره وضعیت سال آینده سینمای ایران نیز گفت: «به طور کلی تصور می‌کنم آنچه در جامعه نسبت به هنر و بویژه سینما می‌بینیم همراه با اقبال و توجه بیشتری است؛ البته سطح انتظارات از سینما در حال بالاترفتن است و این مطالبه اجتماعی همراه با یک